

(۸)

# غرب

## چگونه با همزیستی مذهبی آشنا شد؟!

- در انگلستان برای اولین بار سدها شکسته میشود!
- در فرانسه
- سایر کشورهای اروپائی
- در اعلامیه حقوق بشر

### در انگلستان برای اولین بار سدها شکسته میشود!

فکر «حیویتی مذهبی» در اروپا با «تعمیرت» پروتستان، علیه کلیسای کاتولیک آغاز شد. این تعیمت که از آن به «رفورم» تعبیر شد در قرن شانزدهم میلادی که سراسر اروپا در آتش تمسبهای تند و تیزهای خونیین مذهبی میسوخت راه را بسوی «همزیستی مذهبی» باز کرد.

جنش پروتستان از اینجاست با همزیستی مذهبی در یوست میشد که مدعی بود میتوان بر اهی غیر از راه «کلیسای کاتولیک» ره رفت و بتوان اندیشه ای غیر از آنچه مقامات و اتیان آن آزادیکنه میکنند داشت. شکستن قدرت و تسلط چند قرن کلیسای کاتولیک «منوان اصلاح مسیحیت زمینها برای تفکرها و اقدامات دیگری منظور استقرار همزیستی و سپس آزادی مذهب صورتی و سهولت آمادو ساخت.

بعداً سیر بسوی همزیستی و آزادی مذاهب گاهی با کندی و گاهی با سرعت ادامه یافت: در قرن هفدهم «تاریک» پادشاه انگلستان به یک فرقه مذهبی بنام «پیوریتان» منظور تعیمت کامل آنان از «کلیسای انگلیس» وارد ساخت. منقأ قیامهای مختلف بر علیه اختناق و استبداد مذهبی شده و به پاره ای از مذاهب در انگلستان آزادی داده شد. در همین قرن عده ای از متفکرین انگلستان در «پاره آزادی مذاهب» کتابها و مقالات پرشور و مؤثرتری منتشر ساخته یا ایجاد آفادگی فکری در سال ۱۶۷۲ «شارل دوم» لایحه ای در مورد آزادی مذهبی تقدیم پارلمان کرد و بموجب آن به پاره ای از مذاهب آزادی داده شد. در همین قرن «جان لاک»

فیلسوف معروف انگلیسی شدت از فکر « آزادی مذاهب » دفاع کرد گرچه این فکری مبتنی بر اصل تفکیک دولت و مذهب استوار بود .

در قرن نوزدهم در انگلستان تقریباً تمام مذاهب از آزادی مذهبی برخوردار بودند .  
در فرانسه

در فرانسه اواخر قرن شانزدهم میلادی عده ای از متفکرین و فیلسوفان هر کدام بنحوی در اصول مسلم و جزعی زمان خود ایجاد شک و تردید نمودند بعضی از آنها با راه مسلم فلسفی حمله کرده و باره ای دیگر اعتبار قطعی عقاید و افکار مذهبی را منکر شدند. از این راه منسبت شدن ایمان و حسی مذهبی مردم که حادثه بسیار خطرناکی بود کاخ استبداد مذهبی نیز فرو ریخت آثار این افکار در سیاست « هائری چهارم » چنین ظاهر شد که در سال ۱۶۸۷ قیود محدود پستیهای مذهبی را از پاره ای از فرق مسیحی برداشت .

در قرن هفدهم « ولتر » با بر سه گذاشت و کلیسا و رجال آنرا ساخت بیاد انتقاد گرفت وی خصوصاً از مناسبات مذهبی شدتاً انتقاد کرد رساله ها و مقالات او در فرانسه غوغای عظیمی بپا نمود و بعضی از نوشته های او را بحکم دولت وقت سوزاندند . « ولتر » عقیده کفر و الحاد بخود گرفته بود و آزادی مذاهب را از این جهت خواستار بود که اساساً فکر مذهبی را جز خرافه نمیدانست .  
پس « ژان ژاک روسو » نیز در « قرار داد اجتماعی » حکومتی نمون خود را از یک دینی نداد و حکومت را از مذهب جدا شمار آورد. انقلاب کبیر فرانسه قرار سبب مسئله آزادی و همزیستی مذهبی در رأس مسائل و خواسته های انقلابی بود در « اعلان حقوق انسان » که در سال ۱۷۸۹ در فرانسه بدست انقلابیون صادر شد چنین گفته شد : « عقاید مردم حتی عقیده مذهبی آزاد است مگر اینکه اظهار عقاید مزبور موجب اختلال نظامی بشود که قانون مقرر داشته است » .

در قانون اساسی ۱۷۹۵ فرانسه ، رسماً تفکیک کلیسا از دولت اعلام شد و این جریان برای همه ادیان و عقاید دینی آزادی و سببی بوجود آورد این آزادی قدرت کلیسا را بشدت محدود میکرد و در سال ۱۸۳۲ بود که پاپ « گریگوار شانزدهم » طی بیانیه ای آزادی نشر عقاید مذهبی را بشدت مورد حمله قرار داد .

### در سایر کشورهای اروپائی

فکر آزادی مذاهب همانند افکار سیاسی انقلاب کبیر فرانسه در سایر اروپا پختی شد و نیرو یافت مثلاً در آلمان در همین قرن « فردریک نیرک » آزادی مذهبی را در ضمن خطابی

بخت تأیید کرد این فکر در قانون اساسی سال ۱۷۹۴ آلمان منعکس و تمام مذاهب مسیحی آزاد شناخته شدند. فکر آزادی مذاهب در آلمان به « اطربش » و از آنجا به « ایتالیا » گسترش پیدا نمود .

### در اعلامیه حقوق بشر :

و بالاخره پس از این سرطولانی در اعلامیه حقوق بشر « آزادی مذهبی بمعنی مطلق و نامحدود آنچنین بیان گردید :

« ماده هجدهم هر کس حق دارد که از آزادی فکر ، وجدان و مذهب بهره مند شود . این حق منضم آزادی در اظهار عقیده و ایمان میباشد زیرا شامل تعلیمات مذهبی و اجرای مراسم دینی است و هر کس میتوان از این حقوق منفرداً یا مجتمعاً بطور خصوصی یا عمومی برخوردار باشد » .

آزادی مذهبی با این معنی نامحدود امروز در قانون اساسی بسیاری از کشورها منعکس است و از اصول حقوق بشر و ارکان « دموکراسی غربی » بشمار میرود .

در این بررسی کوتاه ملاحظه شد که چگونه پس از گذشتن يك دوران سراسر استبداد و تسلط و خونریزی ، اروپا وارد مرحله فکر « آزادی مذاهب و همزیستی » آنها شد و این نهضت فکری چگونه گاهی یا کندی گاهی با سرعت ، گاهی ضمن بی عقیدگی و طرد اساس مذهب ، گاهی برای پاره ای از مذاهب و اخیراً برای همه مذاهب پیش رفت و عاقبت بیک معنی فاه محدود پرسوبت شناخت شد. اروپا فکر « همزیستی مذاهب » را از راه يك جنبش انقلابی علیه تمسبها و دشمنیهای خونین مذهبی که آرامش را در آن سرزمین از بین برده بود بدست آورد عاقبت هم بان چنان وضع نامحدودی بخشید که ترویج هر نوع خرافه و افسانه و سوسی را که سارک مذهب بر آن خورده باشد آزاد گذاشت (۱)

امروز تمام طرحهای مربوط به « حکومت جهانی » که در مقالات گذشته بان اشاره

شد بر پایه « همزیستی مذهبی » بیان معنی با محدود و نادرست استوار است .

اینکه بویوت آن رسیده که « اصل همزیستی مذهبی » را بصورت خاصی که اسلام آنرا

پایه « حکومت جهانی » خود قرار داده بررسی کنیم و این صحنی است که در شماره آینده مطالعه خواهید فرمود .

(۱) همزیستی مذهبی اروپائی نسبت به اسلام جنبه کاملاً استثنائی داشته و هر آن مسیحی

حتی در مناطقی اخیر از راههای مختلف به تمسب اسلام و تیرد علیه آن در مناطقی مختلف پرداخته اند و ما پسندیدار این مسئله هم را که از قیاس با سایر نوشته جهانی اسلام دارد بجای دیگر مگوگو میکنیم .